



رحمان حسین زاده

پدیده ۸ مارس و حق طلبی زنان و برابری زن و مرد سوژه داغ فضای سیاست در بعد سراسری ایران بود. ۸ مارس امسال محلی و منطقه ای و شهری نبود. خاص متخصصین و نخبگان عرصه زنان نبود. ۸ مارس امسال اجتماعیتر و توده ای تر و سراسری تر ابراز وجود کرد. ۸ مارس امسال نشانه بیداری انسان آگاه به رفع بی حقوقی نیمی از هموطنانش به بهانه جنسیت بود.

پیام ۸ مارس امسال

۱- جنبشی گسترده در سراسر ایران گمراه کننده خواهد بود اگر دامنه و وسعت جنبش ۸ مارس امسال ایران را فقط در تعداد مراسمها و میتینگها و اکسیونهای ببینیم که فرصت ابراز وجود علنی پیدا کرده و یا اخبار آنها را شنیدیم. هر چند همین سطح از گردهماییها و تحرکات ۸ مارس در تهران، اصفهان، مشهد، همدان، بندرعباس، اهواز، و بویژه تحرک گسترده و میتینگهای بزرگ سمنان و شهرهای کردستان تجسم جنبش قوی زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران است. استقبال از ۸ مارس در جنب و جوش برای گرامیداشت آن وسیعتر، سراسری تر و گسترده تر از هر زمانی از جمله در مقطع انقلاب ۵۷ بود. کفایت به تبلیغات یک بر مراسمها و میتینگهای باشکوه،

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ مارس در شهرهای ایران

صفحه ۳

نگاهی گذرا و لحظاتی از ۸ مارس

فرشاد شریفی

صفحه ۳



فاتح شیخ

صفحه ۴

در لبنان چه میگذرد؟

کریست ۲۹

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۱ اسفند ۱۳۸۳ - ۱۱ مارس ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان

انتخابات ریاست جمهوری. اپوزیسیون راست و مردم

آذر مدرسی ۹ مارس ۲۰۰۵



انتخابات رئیس جمهوری در راه است. انتخاباتی که مردم در آن کمترین حق رای و انتخابی ندارند. سیاهترین رژیم قرن "اجازه میدهند" مردم بین رفسنجانی یا معین یکی را "انتخاب" کنند. در مملکتی که از آزادی فعالیت احزاب سیاسی خبری نیست، در مملکتی که اعتراض کارگر و زن و دانشجو و معلم را سرکوب میکنند، نام انتخابات گذاشتن بر چنین نمایش و مضحکه ای بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است. این انتخابات نیست. این اعلام رسمی بی حقوقی مردم است.

است که دیگر مبارزه خودشان را برای سرنگون کردن رژیم نه از کاتال دامن زدن به جنگ و جدل میان جناحهای رژیم بلکه از راه مبارزه مستقیم خودشان برای سرنگونی پیش میبرند. امروز هر اعتراضی به خواست سرنگونی رژیم و برچیدن کل دم و دستگاه رژیم تبدیل میشود. مردم انتخاب خودشان را کرده اند، رای شان به رفتن رژیم را با عبور از خاتمی و سناریو "اصلاح رژیم"، داده اند. سالها است مردم انتخاب خودشان را کرده اند و اینرا در ۱۸ تیرها، ۱۶ آذرها و اعتراضات هر روزه شان اعلام کرده اند که به چیزی کمتر از سرنگونی کامل رژیم راضی نمیشوند. سرنگونی کامل بدون هیچ دست انداز و توقفی، بدون هیچ اما و اگر!

انتخابات در میان مردم تحرکی را بوجود نیاورده و دلیل آن روشن است. در این انتخابات قرار نیست اتفاقی بیفتد. قرار نیست مردم با امید تضعیف رژیم و دامن زدن به جنگ جناحها در این انتخابات شرکت کنند. انتخاب رفسنجانی یا معین هم تغییری در صحنه سیاست ایران نخواهد داد. امروز دیگر نتیجه انتخابات نه برای مردم مهم است و نه برای رژیم. مهم نیست چه کسی از صندوق رای سر در میآورد. مهم نیست چه کسی در راس دولت و قوه قضائیه و مجریه و دستگاه سرکوب آن قرار میگیرد. جمهوری اسلامی به رهبری این جناح یا آن جناح رژیم سیاهی است که باید برود. "حنای همگی شان برای مردم بی رنگ شده است" برای مردم دیگر دهها دهه خاتمی با دهها ادعای بیشتر با رفسنجانی و ناطق نوری فرقی نمی کنند. مردم منتها باز کرده است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام ۸ مارس امسال

۲- پیشروی جنبش رادیکال زنان،

احساس خطر دیگر اشاره میکند، که اگر برگزاری مینگهای مختلف در ۸ مارس صرفاً منجر به یک برداشت رادیکالی از سوی افکار عمومی جامعه شود، ما با آسیبهای جدیدی در طرز تلقی جامعه از حرکتهای زنان در آینده روبرو خواهیم شد.

جنبش ۸ مارس-تحرک گسترده جنبش زنان یکدست و از یک جنس نبود. گرایشها و سنتهای مختلف در آن درگیر بودند. در وهله اول کل این تحرک را تحت نام دفاع از حقوق زنان باید به فال نیک گرفت. در جامعه‌ای که حاکمیت اسلامی بر آن تحمیل شده و شروع تعرض به جامعه، با تعرض به نفس موجودیت زنان و حقوق زنان شروع شد. آپارتاید جنسی در آن رسمی و قانونی است. زن نه تنها شهروند درجه ۲ بلکه درجه چند محسوب میشود. گسترش تحرک عمومی مدافع حقوق زن چیزی جز پیشروی جنبش حیطانه زنان و موقعیت محکم این جنبش نیست. میدانیم بخشی از نیروهایی که امروز سنگ دفاع از حقوق زنان را بر سینه میزنند، خود در جا انداختن آپارتاید جنسی و فرهنگ مردسالاری و اسلامی نقش داشتند. و یا در این تحرک فمینیستهای اسلامی و ناسیونال فمینیستها را با اهداف خاص و محدود کننده و گمراه کننده‌شان دیدیم، این دوستان دروغین جنبش حیطانه زنان را دیدیم. حضور آنها چیزی جز این واقعیت نیست که تناسب قوا به نفع حیطانی انسان و جنبش رادیکال برنگشته است. و جنبش رادیکال موقعیت محکمتر خود را به روشنی نشان داد و مهمتر جامعه و جنبش برابری طلبانه زنان مسیر آگاهانه خود را گم نمیکند. جالب است در بطن همین رویدادهای امسال حتی قلمزن روزنامه شرق جمهوری اسلامی دلهره‌اش را از ابراز وجود قوی آن گرایشی از جنبش زنان که تماماً ریشه و دیدگاه و سنتش را از ۸ مارس روز جهانی زن گرفته، تحت عنوان "تشکلهای ۸ مارس و یا زنان ۸ مارس" لغو آپارتاید پنهان نمیکند. با اضطراب میبرسد. "این تعبیر چرا و چگونه به وجود آمده‌اند" و خود جواب میدهد: "در پایان فقط به یک

۳- پرچم روشن: حقوق جهانشمول زنان

جنبش رادیکال زنان قد علم کرده است، جنبش زنان ۸ مارس که فلسفه وجودیش را از بین الملل سوسیالیستی زنان در سال ۱۹۱۰، که اهدافش را به دور از نسبیتهای بی پایه و تقسیم بندیهای پوچ ملیت و نژاد و جنسیت استنتاج میکند، نیروی پیشرو و الهام بخش جنبش زنان ایران است. پرچم این جنبش حقوق جهانشمول زنان به عنوان بخشی از جنبش حقوق جهانشمول انسان است. با اندکی دقت در سخنرانیها و قطعنامه های ۸ مارس امسال این پیام امید بخش و انسانی به وضوح خود را نشان میدهد. این جنبش فوری و مستقیماً، حقوق برابر زن و مرد را در همه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لغو آپارتاید جنسی، پایان دادن به هر نوع تبعیض و خشونت و محدودیت علیه زنان و نهایتاً آزادی و برابری را میطلبد.

در لبنان چه میگردد؟ (از صفحه ۴)

متدانش از یکسو و اسلام سیاسی از سوی دیگر میگذرد و از احتمال بالا برخوردار است. سه سال و نیم پس از ۱۱ سپتامبر، خاورمیانه به میدان اصلی نبرد و رویارویی این دو قطب تروریستی بدل شده است و در حالیکه آتش بس شکننده ای در جبهه اسرائیل و فلسطین امضا شده است، در عراق که نقطه برخورد

انتخابات ریاست جمهوری. اپوزیسیون راست و مردم

و مردم

انتخابات و راه حل اپوزیسیون راست

در بازار انتخابات تکاپوی راست قابل تعمق است! انتخابات مسئله مردم نیست اما راست در بازار انتخابات "فعال" شده و "راه حل" پیش پای مردم میگذارد. انتخابات را "تحریم" کرده اند و بجای آن کماکان پرچم "رفراندم" را بلند کرده است. از رضا پهلوی، که اعلام میکند در مقابل انتخابات، بر "رفراندم" شعار ما است" تاکید و اصرار دارد، تا ملکی که شعار "انتخابات فرمایشی نه، رفراندم آزاد آری" سر میدهد، طیفی از راست فریب داده اند که همگی انتخابات را فرصت مناسبی برای طرح مجدد رفراندم و دمیدن جانی تازه بر بدن ملوک و از کار افتاده رفراندم میدانند. رفراندمی که مثلاً قرار بود بعد از رفتن جمهوری اسلامی اتفاق بیفتد، امروز الטרانتیو انتخابات شده است! طبق این طرح قرار است رژیم به جای صندوقهای انتخاب رئیس جمهورش، صندوق رفراندم برای سازمان دادن "رفتن اش" بگذارد! رفراندم بر سر چه و رای به چه چیزی، زیاد مهم نیست. رای به تغییر قانون اساسی؟ رفتن جمهوری اسلامی و آمدن شاه یا رئیس جمهوری دمکرات تر؟ رای به دخالت نظامی امریکا؟ برای جریانات راست ظاهراً اینها مهم نیست، مهم زدن حرفی است مثلاً اعلام مخالفت و ضدیت با رژیم اسلامی آنهم در آستانه رفتنش! این "رفراندم" و الترانتیو بازی های راست، قرار است ضربه گیر کلمه سرنگونی و خواست سرنگونی باشد! همه خاصیت این کلمه جادویی "رفراندم" که هم با رژیم هم بدون رژیم، "الترانتیو" است در این است که سرنگونی و چگونگی سرنگونی

به پشت صحنه رانده شود. همه خاصیت این تکاپو ها در این است که مردم کنار بروند و بگذارند به نحوی و به ترتیبی راست فرمان حکومت را با همان سیستم و نظام از جمهوری اسلامی تحویل بگیرد و در خدمت خود، مردم را بیست و چند سال دیگر دنبال گرفتن حق و حقوق ابتدایی خود دنبال نخود سیاه بفرستد. همه خاصیت این تکاپو، مقابله با سرنگونی رژیم توسط مردم است.

انتخابات اگر برای رژیم برکتی در برداشته باشد، برای راست پر برکت شده است تا بوسیله آن باز در مقابل سرنگونی رژیم، به ایستند و مردم را از سرنگونی منع کند و به "رفراندم" امیدوار!

برای راست اگر سران رژیم جایشان را به عده ای کرواتا و بدون حجاب بدهند، اما تمام دستگاه سرکوب رژیم سرجایش باقی بماند، اگر ارتش دیگر نه اسلامی بلکه ارتش جمهوری یا سلطنتی باشد کافی است. سرنوشت سپاه پاسداران و ساوا ما چه میشود؟ مسلح شدن مردم برای مقابله با مقاومت دارونده های اسلامی چه میشود؟ تکلیف حوزه های علمیه و دستگاه مفتخور مذهبی چه میشود؟ آزادی بدون قید و شرط بیان و آزادی فعالیت احزاب سیاسی چه میشود؟ طرفداران رفراندم ظاهراً جواب همه این سوال ها را به بعد از رفتن جمهوری اسلامی حواله میدهند. سوالاتی که پاسخ به آنها معنای رفتن جمهوری اسلامی است و پاسخ ندادن به آنها، ظفره رفتن از خواست رفتن رژیم و کنار آمدن با آن است.

روشن است که مردم در انتخابات شرکت نمیکنند. اما نه به این امید که

این مردم تجربه انقلاب سال 57 علیه رژیم دیکتاتوری شاه را از سر گذرانده اند. تجربه "انقلاب همه با هم"، "بحث بعد از مرگ شاه"، مهم این است که "شاه باید برود" را دارند! نتیجه این "انقلاب همه با هم" سرکوب انقلابی بود که آرمانش آزادی و سعادت و رفاه همگانی بود. امروز جامعه ایران سیاسی تر، و متحزب تر از آن است که بتوان انقلاب اتی اش را با چنین سیاستی قاپ زد و آن را به شکست کشاند. جامعه آگاه و بخصوص با حضور کمونیسم قوی و جزئیات یافته تر از سال 57، تکرار تجربه 26 سال پیش را مشکل میکند. امروز بر خلاف سال 57 چپی هست که کل ضدیت مردم را با این رژیم نمایندگی کند، کمونیسم و حکمتیسم هست که مردم میتوانند در سیر سرنگونی رژیم، امید و آمل هایشان را در به قدرت رسیدن آنها ببینند. واقعیت این است که این بساط انتخابات نمی تواند نان دانی خوبی برای راست باشد!



امروز عراق، فردا لبنان، بعدا کجا؟ به این سوال باید با بالاترین درجه حساسیت فکر کرد. ما و هر نیروی سیاسی دیگری در اپوزیسیون ایران که خود را در قبال مخاطرات احتمالی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی برای زندگی مردم و مدنیت جامعه، مسئول میدانند باید مدام برای هشیار و بیدار نگاهداشتن مردم در این زمینه تلاش کنیم. به اپوزیسیون راست باید فشار آورد تا اکیذترین هشیاری و هشدار نیاز دارند. سناریو سیاه که طی بیش از یک دهه در بسیاری نقاط جهان یک خطر همیشه در کمین بوده و اینجا و آنجا عملاً اتفاق افتاده است، امروز در هر نقطه باخطر حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و بالا رفتن دوز ماجراجویی آن، از پتانسیل بالا و خطرناکی برخوردار شده است.

مشین دولتی از جمهوری اسلامی با حفظ همه ارگانهای سرکوبگر و نهادهای ناامن کننده آن، حاضرند کابوس شب و روز مردم لبنان را رویای نرم و خواب خوش جلوه دهند و به مردم بفروشند.

در قبال این برخورد نامسئولانه اپوزیسیون راست، مردم ایران به اکیذترین هشیاری و هشدار نیاز دارند. سناریو سیاه که طی بیش از یک دهه در بسیاری نقاط جهان یک خطر همیشه در کمین بوده و اینجا و آنجا عملاً اتفاق افتاده است، امروز در هر نقطه باخطر حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و بالا رفتن دوز ماجراجویی آن، از پتانسیل بالا و خطرناکی برخوردار شده است.

شیوه و هدف بهره برداری تبلیغی اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی از رویدادهای لبنان جای تامل بزرگی است چراکه نشان کوچکی از مسئولیت در آن نمیتوان دید. اپوزیسیون راست دارد از موقعیت در آستانه جنگ لبنان، روایتی از انقلاب مخملی میبافد و حول آن نامسئولانه و بی پروا تبلیغ و تهییج براه میاندازد. اجماع سخنوران و قلمزنان جناح راست اپوزیسیون، اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه، در رویای خود چنان روند رو به جنگ لبنان را با انتقال آرام قدرت از طرفداران سوریه به طرفداران آمریکا عوضی گرفته اند که قدرتمایی خشن و خطیر حزب الله هم آنها را از خواب نپرانده است. اینها در آرزوی تحویل گرفتن

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ مارس در شهرهای ایران

روز جهانی زن در شهرهای مختلف ایران، در شکل مراسمها و متینگهای بزرگ تا جشنها و مراسمهای محدودتر و ابتکارات تبلیغاتی وسیع گرامی داشته شد. از متنها قبل و بویژه یک هفته قبل از ۸ مارس جنب و جوش گسترده‌ای در جنبش زنان، در میان نهادها و سازمانهای مختلف در این جنبش، در شهرهای مختلف و دانشگاهها به چشم میخورد. روز جهانی زن و حقوق زنان و ۸ مارس موضوع سیاسی و داغ مورد بحث در رسانه‌ها و در افکار عمومی بود. جمهوری اسلامی با تهدید و ندادن اجازه برگزاری مراسمها و مواردی لغو مجوزها در آخرین لحظات با برگزاری گرامی داشت روز جهانی زن مقابله کرد. اگر موانع جمهوری اسلامی نبود، میتوان گفت در سراسر ایران و در همه شهرها شاهد متینگ و رژه وسیع جنبش حق طلبانه برای زن و مرد میبودیم. با وجود ایجاد موانع، رژیم اسلامی نتوانست کل اوضاع را کنترل کند و زنان و مردان حق طلب و آزادیخواه در موارد متعدد با مراسمهای باشکوه و ابتکارات متنوع پیشروی مهمی را در جنبش حق طلبانه زنان ثبت کردند.

در تهران، مراسمهای ۸ مارس عمدتاً در دانشگاههای مختلف علوم اجتماعی، خواجه نصیر و دانشگاههای دیگر با بحث و میزگرد و سخنرانی برگزار شد. در پاره‌ای از این تجمعات ۸ مارس در دانشگاههای مختلف، قطعنامه‌هایی در محکومیت خشونت و تبعیض علیه زن، از آن جمله در دانشکده علوم اجتماعی و خواجه نصیر صادر شد. در دانشگاه فردوسی مشهد ۸ مارس را گرامی داشتند. در تمامی دانشگاهها شیرینی پخش شد. پلاکاردهایی مبنی بر تبریک ۸ مارس وجود داشت. روز ۹ مارس نشریاتی در سطح دانشگاه منتشر شد، که حاوی مطالبی در مورد تاریخچه ۸ مارس و جنبش زنان و عکسهای از ۸ مارس سال ۱۳۵۷ بود. در دانشکده کشاورزی گفتگوی آزاد در مورد مسائل پیشروی جنبش زنان برگزار شد و در پایان بیانیهای صادر شد که یکسری از مطالبات فوری زنان را مطرح کرد.

در اصفهان ضمن سخنرانی نمایشگاه عکسی در دانشگاه اصفهان برگزار شد که مورد حمله اوباش حزب الله قرار گرفت و عکسهای آن را پاره کردند.

در همدان نیز مراسم مشابهی برگزار شد. در دانشگاههای دیگری از جمله دانشگاه شریف و یا در تبریز با مجتمع عالی ملایر در همین هفته جاری مراسم برپا خواهد شد.

در بعدازظهر روز سه شنبه تعدادی از زنان و مردان حق طلب در پارک لاله تهران حضور یافتند تا ۸ مارس را برگزار کنند. وجود نیروهای انتظامی مانع برگزاری

آن بیداد می کند بوده ایم. و همیشه بوده و هستند انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که خشونت و تبعیض علیه زن را به شدت محکوم کرده اند و در طول عمرشان حتی یک دم از مبارزه برای تحقق حقوق انسانی زن، و تعریف حقوقش به عنوان انسان قبل از جنسیت او بوده اند. ۸ مارس روز جهانی زن سمبل این مبارزات است و در این روز شاهد تجمعهایی در اقصی نقاط جهان هستیم و زنان و مردانی که خواهان برابری حقوقی

زن قشر فرودست جامعه تحت فرهنگی سنتی و ارتجاعی و زن ستیز حاکم بر ایران، از هیچ مصونیتی برخوردار نیست. همیشه شاهد آماري دهشتناک از کشتن، شکنجه، خرید و فروش و تجاوز به شکل رسمی و غیر رسمی بر زن در دنیا و خصوصاً در کشورهای مذهبی که ارتجاع مذهب و سنت در

نگاهی گذرا و لحظاتی

از ۸ مارس

فرشاد شریفی

تجمعی از سوی این عده شد. نیروهای انتظامی و لباس شخصیهای مستقر در پارک لاله، مداوما کسانی را که آنجا بودند تحت فشار قرار میدادند که پارک را ترک کنند. این دسته از مردم به تدریج به سوی آمفی تئاتر حرکت و در آنجا مجبور به ترک محل شدند. در محلات دیگر تهران در جمعها و محافل خانوادگی و باغها همچنین جشنهایی به مناسبت ۸ مارس برپا شد.

در بندر عباس و اهواز تجمعاتی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در محافل و جمعهای خانوادگی برگزار شد.

مطالباتی که در همه این تجمعات روی آن تاکید شده است لغو قوانین خشونت بار و تبعیض آمیز اسلامی علیه زنان، لغو آپارتاید جنسی، آزادی و برابری حقوق زن و مرد است.

شهرهای کردستان

پرچمدار برگزاری ۸ مارس با شکوه و آزادیخواهانه امسال، زنان و مردم برابری طلب در شهرهای مختلف کردستان بودند. نهادها و کانونهای مختلف برای برگزاری مراسم تقریباً در اکثر شهرهای کردستان اقدام کردند. کارشکنیهای رژیم وسیع بود. زنان و مردان آزادیخواه تا آنجا که توانستند این موانع را کنار گذاشتند. گزارشات مفصل این مراسمهای در اطلاعیه‌های کمیته کردستان حزب حکمتیست به طور جامع منعکس شده است. اینجا خلاصه وار اشاره میشود.

در سنندج جامعه حمایت زنان پیشقراول و مبتکر مراسم با شکوه، انسانی و پر جمعیت در شهر بود. هزاران نفر در مراسمهای شهر سنندج شرکت کردند. در مراسم اصلی سالن سینما بهمین علاوه بر

سخنرانیهای رادیکال و انسانی، قطعنامه ۷ ماده‌ای به تصویب شرکت کنندگان در مراسم رسید. نمایشگاه عکس و کتاب ارائه شد.

در شهرهای پاوه، کامیاران، مریوان، سقز، دیواندره، رژیم اسلامی از صدور مجوز برای مراسمها خودداری کرد. مجوز مراسم شهر بوکان را در آخرین لحظات لغو کردند. در روانسر علیرغم صدور مجوز در آغاز مراسم مزدوران جمهوری اسلامی با قلدری به تجمع ۸ مارس حمله کرده و مراسم را بر هم زدند. اقدامات رژیم دامنه مراسمها را محدود کرد، اما نتوانست گرامی داشت ۸ مارس را از مردم بگیرد. تمامی شهرهای کردستان فضای ۸ مارس را داشتند.

در مریوان و سقز و روانسر و پیرانشهر مردم تجمع کردند. مواردی آتش روشن کردند، شعار دادند و ۸ مارس را گرامی داشتند. در تمامی شهرها هزاران نسخه تراکت و پیام و شعار به مناسبت ۸ مارس از این بند شهرها شدند. در این میان شبکه فعالین و سمپاتیهای حزب حکمتیست هزاران نسخه از پوستر به آتش کشیدن حجاب توسط بنار محمد شخصیت برجسته جنبش آزادی و برابری زنان عراق و پیامهای کورش مدرسی لیبر حزب و حسین مرادیگی دبیر کمیته کردستان حزب را به دست مردم رساندند. ۸ مارس با شکوه در شهرهای کردستان از هر نظر پیشروی مهم جنبش آزادی و برابری بود.

خارج کشور

در سطح خارج کشور هم جنب و جوش بی نظیری در گرامی داشت ۸ مارس وجود داشت. تشکیلات خارج

این حرکت انسانی و جامعه حداقل در این روز ربط بدهند.

۸ مارس و رژیم وحشت زده

نیروهای انتظامی رژیم فلک زده اسلامی با وحشتی قابل رویت سعی بر کنترل شهر داشتند. شهر را پر از مأمور کرده بودند. هم مأمورانی که لباس مقتض نظامی به تن داشتند و هم لمپنهایی که کرایه کرده بودند تا در شهر وول بخورند و به اربابانشان راپورت دهند. در طول شب به بهانه جلوگیری از سرعت، هر کس را از ساعت ۱۱ به بعد در خیابان و حتی جاهای پر تردد می گرفتند به کلانتری میبردند و به قول خودشان آنان را شناسایی می کردند تا امنیت بیشتری بر شهر حاکم شود! و به نوعی حکومت نظامی بر شهر حاکم بود.

زن و مرد بدون هیچ ارفاقی هستند، در این روز فریادهاشان را علیه ستم بر زن و انسانیت سر میدهند.

۸ مارس در سنندج

یک ماه قبل از ۸ مارس تمام تشکلهای شهر به فکر برگزاری این مراسم افتاده بودند. چه آنها که صلاحیت دارند و چه آنها که حتی صلاحیت ندارند اسم ۸ مارس را به زبان بیاورند! جالب است بدانید بی ربط ترین تیپهای فکری به حقوق زن در جامعه، اعم از ناسیونالیستها، مذهبیون، ماجراجویان و... که آخرین مقوله ای که ممکن است برایشان مهم شود حقوق زن در جامعه است و این ارزش زمانی برای ایشان موجودیت پیدا میکند که تا بخواهند لویش کنند یا تحریفش نمایند و به هر شکل فرقه شان را به

کشور حزب حکمتیست کمپین گسترده و وسیعی را در کشورهای غربی به اجرا در آورد. کشورهای کانادا، آلمان، انگلستان، سوئد، نروژ، فنلاند، بلژیک، هلند، دانمارک، شاهد جشنهای پرجمعیت و با اکیبونهای اعتراضی در جلو سفارتخانه‌ها و یا میدانهای مرکزی این شهرها بود. سخنرانیها، شعارهای کوبنده علیه جمهوری زن ستیز اسلامی، پخش اوراق تبلیغی و زبانهای مختلف و آگاه کردن افکار عمومی مردم این کشورها از آنچه بر زنان ایران میگذارد و حضور در رسانه‌ها گوشه‌هایی از این کمپین بود. گزارشات مفصل این فعالیتها و تصاویر این مراسمها توسط تشکیلات خارج کشور منتشر شده است.

علاوه بر اینها در اینمدت مدیای حزب، رادیو و تلویزیون پرتو، نشریات متنوع حزب و برنامه های ویژه ۸ مارس از جانب رهبران و شخصیتهای حزب حکمتیست بخش مهمی از کمپین حزب به مناسبت ۸ مارس ۱۳۸۳ بود.

۸ مارس ۱۳۸۳ گام بلندی از پیشروی جنبش برابری طلبانه زنان و مردان و تجسم قدرتمند جنبش آزادی و برابری در ایران بود. حزب حکمتیست به عنوان بخش لاینفک این جنبش، پیشروی مهم جنبش ۸ مارس امسال را به همه دست اندرکاران، فعالین، سازمانها و نهادها و کانونها و جمعیتهای درگیر در ۸ مارس امسال تبریک میگوید. همچنین از همه فعالین و دستداران حزب در ایران و در خارج کشور به خاطر ابتکارات و تلاشهای موثرشان در ۸ مارس امسال قدردانی میکند.

۱۹ اسفند ۱۳۸۳

۹ مارس ۲۰۰۵

جوانان حکمتیست و ۸ مارس

جوانان پر شور و انقلابی حکمتیست از چهار روز قبل از ۸ مارس تمام محلات شهر را با پوسترهایی بنار محمد و پیام کورش مدرسی لیبر حزب، به مردم ایران، فرش کرده بودند. درب ورودی دبیرستانهای دخترانه شهر هم دینتی بودند که با همان تراکت و پیامها پوشیده شده بودند.

۸ مارس در دانشگاه ها

صدها تراکت و پیام در دانشگاه های آزاد و کردستان پخش شد. عمده های ظلم بسیج و مخلصان امام با دستپاچگی از این حرکت دانشجویان انقلابی و مبارز در میان تمام تدابیر به قول خودشان امنیتی، شوکه شده بودند.

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

در لبنان چه میگذرد؟

فاتح شیخ

fateh_sh@yahoo.com

اینکه در لبنان چه میگذرد یک مساله است و اینکه اپوزیسیون دست راستی جمهوری اسلامی ایران چگونه و با چه هدفی دارد از آن بهره برداری میکند مساله دیگری است. در این هر دو باید تامل کرد. ابتدا نگاهی به لبنان بیندازیم که در هفته های اخیر با ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق، وارد دور جدیدی از کشمکش و بحران شده است.

لبنان هنوز از جنگ داخلی ویرانگر و عوامل پابرجای پشت آن عبور نکرده و به حالت "نرمال" در نیامده است. یک رکن این وضعیت، نهادهی شدن تقسیم جامعه بر خطوط سکنهای مذهبی و قومی و قبیلگی است که از گذشته استعماری لبنان بجا مانده و تاریخ رنگ خود را به ساختار سیاسی و دولتی آن زده است. مسیحی، سنی، شیعه، عرب، دروزی و غیره عناوین و هویتهایی است که جریانات ارتجاعی رقیب قدرت در لبنان، طی سالها به زور

جنگ و تنگن و مافیای میلیشیا بر شهروندان لبنان تحمیل کرده اند. به نام این هویتهای جعلی انتسابی نه تنها پستهای رئیس جمهوری، رئیس پارلمان و نخست وزیر را به دور از هر معیار برابری حقوق شهروندان تقسیم کرده اند، بلکه مناطق، شهرها، محلات شهرها و از جمله محلات بیروت پایتخت را هم بر اساس همین تفرقه سکتی از هم جدا کرده اند.

این عوامل "داخلی" اما هیچوقت در جنگ داخلی و روند "لبنانیزه" کردن لبنان، به تنهایی نقش تعیین کننده نداشته اند؛ بلکه امتداد کشمکشهای جاری منطقه در جغرافیای آن کشور بوده اند. به عبارت دیگر باز تولید و تشدید شکافها و جنگ و جدالهای سکتی و قبیلگی، محصول گروهبندیهای داخل لبنان نبوده، به عکس، این گروهبندیها محصول و بازتاب کشمکشهای منطقه و سیاستهای خاورمیانه ای آمریکا و غرب بوده است. طی چهل سال گذشته رویدادها و روندهایی مانند جنگ شش روزه و سرازیر شدن سیل آوارگان فلسطینی به لبنان، فراز و نشیب های مساله فلسطین، تعرضات نظامی پی در پی اسرائیل،

عروج جمهوری اسلامی و در امتداد آن ظهور پدیده حزب الله لبنان، و بالاخره حضور نظامی سوریه، همگی عوامل منطقه ای تحمیل و بازتولید سناریوی جنگ داخلی بر زندگی مردم لبنان بوده و هستند.

رفیق حریری در شرایطی ترور شد که آرایش و رویارویی بازیگران سیاست لبنان در آستانه انتخابات پارلمانی، حول خروج نیروهای سوریه قطعی شده بود. چارچوب منطقه ای این قطببندی اما تحولات پس از جنگ آمریکا علیه عراق و مشخصا شرایط پس از انتخابات عراق بود. حریری سیاستمدار میلیاردری که از 1992 تا 2004 بجز دو سال مداوما نخست وزیر بود، از زاویه بهره مندی از پشتوانه ثروت در خدمت کنترل بر سیاست لبنان، نقشی شبیه برلوسکونی نخست وزیر کنونی ایتالیا داشت. او طی همه آن سالها دنباله رو سیاست سوریه بود، اما در کمپین انتخاباتی اخیرش، بر مطالبه خروج نیروهای سوریه سرمایه گذاری کرد تا بتواند به سیاست خاورمیانه ای آمریکا و "پروژه خاورمیانه بزرگ" بوش نزدیک شود. بدنبال ترور حریری، آمریکا کمپین سنگینی در جهت تغییر توازن قوای سیاسی در لبنان به نفع محور خودش و اسرائیل و در جهت فشار گذاشتن بر سوریه برآه انداخت.

در باد این کمپین آمریکایی،

طرفداران حریری و مجموعه نیروهای که زیر چتر عمومی اپوزیسیون گرد آمده اند با شعار خروج فوری سوریه دست به تظاهرات زدند. در فقدان حریری، ولید جنبلاط که با عنوان رهبر دروزی ها صاحب میلیشیا و قدرت منطقه ای است و از این رهنگر یک بازیگر اصلی صحنه سیاست سراسری لبنان است، تلاش میکند که رهبری اپوزیسیون را بدست بگیرد. آمریکا و میدیای غرب از تحریکی که علیه دولت طرفدار سوریه برآه افتاد و نخست وزیر را به استعفا کشاند حمایت کردند و با اشاره به حرکت اپوزیسیونی اخیر اوکراین آن را "انقلاب مخملی" لقب دادند. اما نه لبنان اوکراین بود و نه خاورمیانه بازمانده بلوک شکست خورده شوروی، تظاهرات "مخملی" اپوزیسیون متمایل به آمریکا سریعا با تظاهرات مسلحانه و به مراتب بزرگتر حزب الله که به طرفداری از سوریه سازماندهی شده بود، جواب داده شد. نخست وزیر مستعفی مجددا به کار گمارده شد و آنها ظاهرا از آسیابها افتاده است.

در آستانه تجدید جنگ داخلی

اما آنچه پس از ترور جنایتکارانه و بحران آفرین حریری در لبنان میگذرد، در هر حال یک

نگاهی گذرا و لحظاتی

از ۸ مارس

سالن سینما بهمن، بیش از 1000 نفر ظرفیت دارد. نیم ساعت قبل از شروع برنامه سالن مملو از جمعیت شد. نمایشگاه کتابی دایر بود که متاسفانه نتوانست کتابها را ببینم. راس ساعت 3 سالن کاملا پر شده بود و هنوز دسته دسته جمعیت میامند و بعضا سر پا دور تا دور سالن می ایستادند.

جمعیت مردم از میدان مرکزی تا میدان آزادی با ماشین و پیاده تمام خیابان فردوسی را پوشاند و خیابان بسته شد. ازدحام به هزاران نفر رسید.

برنامه با ارائه تاریخچه ای از 8 مارس توسط مجری برنامه خانم سیما علیخانی شروع شد. با معرفی و دعوت مجری، کبری ملکی کارگردان تاتر برای ارائه سخنرانی خود تریبون را به دست گرفتند.

ایشان به بررسی جایگاه زن در هنر پرداختند. بعد از اتمام سخنرانی، کبری ملکی با تشویق حضار تریبون را به مجری برنامه سپرد. مجری بعد از ارائه ی بندی از کنوانسیون

طبیعی و پایه ای زنان است و هر گونه ضدیت با این حقوق را به شدت محکوم کرد و بر لزوم استقلال مالی زنان تاکید کرد. همراه با هرکدام از این محکوم کردنها صدای کف زدن حضار به نشانه ی حمایت و همراهی سالن را بر می داشت.

سخنران بعد خانم دبیا علیخانی دبیر کانون دفاع از حقوق زن با محکوم کردن سننهای ارتجاعی، آپارتاید جنسی و ناسیونالیسم سخنانش را آغاز کرد. او با اشاره به اینکه مشکل زن کرد، "کرد" بودن او نیست و برای ریشه کن کردن تبعیض و خشونت علیه زن، اعم از زن کرد و فارس و لر و ترک و آسیایی و اروپایی و... باید حقوق او را به عنوان انسان قبل از جنسیتش تعریف کرد. و برجسته کردن ملیت زن گامی در هر چه بیشتر کردن تبعیض است، نه دفاع از حقوق او، و آن دسته از افرادی را که در این روز اشتباهی یا تصادفی ظاهر شده اند و هیچ چیز برای گفتن ندارند توصیه کرد که تبعیض را از آنچه هست بیشتر نکنند و به زن به عنوان انسان نگاه کنند، بدون توجه به جنسیت، ملیت، مذهب، قومیت، رنگ پوست و تمام این تعاریف ضد بشری که همه و همه هیچ نقشی جز ستم بر زن و در کل انسانیت ایفا نمی کنند. بدنبال حرفهای دبیا علیخانی، شلیک

رودرویی جدی میان نیروهای فعاله سناریوی "لبنانیزه کردن" سالهای گذشته است که بار دیگر و در شرایط به مراتب خطرناکتر و انفجار آمیزتری، شیخ تجدید جنگ داخلی را روی سر جامعه لبنان گرفته است. لبنانی که در چند سال اخیر درجه ای کوچک برای نفس کشیدن حیات مدنی یافته است که امکان داده "فیروز" آوازخوان پس از سالها سکوت، حنجره اش را به ترانه باز کند و سازمانهای کارگری پس از سالها سکون، نیروی اجتماعی شان را به خیابان بیاورند و در حد فاصل محلات "مسیحی نشین" و "مسلمان نشین" علیه جنگ تظاهرات توده ای برگزار کنند، اکنون در آستانه تجدید جنگ داخلی ایستاده است. بر این زمینه باروتی، ماجراجویی آمریکا میتواند آتش جدیدی در محور دیگری از منطقه انفجار آمیز خاورمیانه بپا کند. در آنسوی ماجراجویی آمریکا، حزب الله لبنان با نمایش قدرت که سابقه ای نشان داد که آماده است به نمایندگی از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و با حمایت جمهوری اسلامی و سوریه، فرصت آزمایی کند و خود را بعنوان سمبل "رادیکال" مقاومت در مقابل آمریکا و اسرائیل، به مغناطیس جذب نیرو برای ناامن تر کردن منطقه مطرح سازد. این ماجراجویی ها در استراتژی هر دو قطب تروریسم یعنی آمریکا و

بقیه در صفحه ۲

راستین یاد کردند و مطالبی در مورد حقوق زن و محکوم کردن آپارتاید و تبعیض ارائه دادند و با تشویق حضار تریبون را به مجری برنامه سپردند.

مجری برنامه با بیان اینکه ما حضار و اساسا جامعه زن برای مبارزه با بی حقوقی زن و استثمار و خشونت و تبعیض علیه او هیچ گاه دست مبارزه نخواهیم کشید و قطعنامه ای را در 8 بند ارائه دادند

و برنامه را با آرزوی موفقیت برای حضار و تداوم مبارزه شان به پایان برد.

8 مارس 2005 تمام شد. اما برای مبارزین احقاق حقوق زن نه تنها 8 مارس، بلکه هر روز و ساعت و دقیقه و لحظه از عمرشان، لحظات حساس مبارزه علیه استثمار و خشونت علیه زن، آپارتاید جنسی، و تبعیض و نابرابری بر مبنای جنسیت، ملیت، قومیت، مذهب، نژاد و تمام این تعاریف ضد انسانی و قوانین بی شرمته ی حامی آنان است.

مرگ بر آپارتاید جنسی!

زنده باد حقوق جهانشمول انسان!
march2005

سخنران بعد خانم فروزان سلیمی بود. ایشان از حضار تشکر کرده و 8 مارس را تبریک گفتند و از دبیا علیخانی به عنوان نمونه ای از یک "نه" بزرگ به تبعیض و یک مبارز

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!